

## پادمان دوملیتی

مارکو مارزو

دیرکل آژانس برزیلی-آرژانتینی  
حسابرسی و کنترل مواد هسته‌ای

نظام بین‌المللی عدم اشاعه هسته‌ای و پادمان‌ها بر بنیان قابل اطمینانی بنا نهاده شده‌است. پادمان‌های هسته‌ای نقش غیرقابل انکاری در چارچوب بین‌المللی عدم اشاعه هسته‌ای بازی می‌کنند. این پادمان‌ها بر مبنای حوزه عملکردشان به سه دسته از پیمان‌ها و توافقنامه‌ها تقسیم می‌شوند. دسته نخست، پیمان‌هایی با گستره بین‌المللی هستند. از این جمله می‌توان به پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای (TPNW) اشاره کرد. در چارچوب این پیمان‌ها، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) مسئول اجرای پادمان‌ها تلقی می‌شود. دسته دوم پیمان‌های منطقه‌ای هستند که به‌طور خاص ۵ منطقه عاری از سلاح هسته‌ای (NWFZ) در نقاط مختلف جهان بر اساس این پیمان‌ها ایجاد شده‌است. در این چارچوب هم عموماً پادمان‌های هسته‌ای به وسیله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعمال می‌شود. سومین دسته توافقنامه‌های منطقه‌ای پادمانی هستند که این دسته از توافقنامه‌ها خودشان به دو زیردسته تقسیم می‌شوند: نوع نخست رویکرد چندملیتی است که توسط یوراتم (EURATOM) در ۲۷ کشور اروپایی اعمال می‌شود و دومی رویکرد دوملیتی است که توسط آژانس برزیلی-آرژانتینی حسابرسی و کنترل مواد هسته‌ای (ABACC) بین آرژانتین و برزیل اجرا می‌شود. تاسیس آژانس برزیلی-آرژانتینی حسابرسی و کنترل مواد هسته‌ای (ABACC) به عنوان یک سازمان بین‌دولتی، نتیجه فرآیند ایجاد اعتماد بین برزیل و آرژانتین و تکمیل فرآیند ائتلاف استراتژیک بین دو کشور در حوزه هسته‌ای بود. روز ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۱ دو کشور توافقنامه استفاده صرفاً صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را امضا کردند که بر مبنای آن ABACC تاسیس شد. مقصود نهایی از تاسیس این نهاد این بود که کلیه مواد و تاسیسات هسته‌ای در دو کشور، صرفاً برای مصارف مسالمت‌آمیز مورد بهره‌برداری قرار گیرد. توافق دوجانبه تنها ۵ ماه بعد، پس از تصویب در کنگره‌های دو کشور عملیاتی شد که نشان می‌داد تا چه میزان حمایت سیاسی از این توافق وجود دارد. توافقنامه دوجانبه یک ابزار قاطع عدم اشاعه بین دو کشور با برنامه هسته‌ای پیشرفته در منطقه‌ما ایجاد کرد. ABACC یک سیستم مشترک حسابرسی و کنترل هسته‌ای را اداره می‌کند که یک نظام مستقل و قابل اعتماد است. این نهاد از طریق بازرسی‌های دوره‌ای (نظارت بازرسان آرژانتینی از تاسیسات هسته‌ای برزیل و برعکس) و ترتیبات ارزیابی عدم انحراف مواد هسته‌ای برای استفاده در سلاح‌های هسته‌ای یا هر ابزار انفجاری هسته‌ای دیگر، راستی‌آزمایی می‌کند. این آژانس دولیتی به نماد تاریخی و بی‌سابقه شفافیت و اعتمادسازی تبدیل شد که عزم و اراده سیاسی در کشور را به خودشان و جامعه بین‌الملل برای استفاده صرفاً صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نشان می‌داد. در پی توافقنامه دوجانبه یک توافقنامه چهار جانبه امضا شد که متن آن در همان سال ۱۹۹۱ مورد توافق قرار گرفت و شامل دولت‌های دو کشور و دو نهاد ABACC و IAEA می‌شد. لازم به تذکر می‌دانم که سیستم مشترکی که توسط ABACC ایجاد شده‌بود، مبنای توافقنامه چهار جانبه قرار گرفت. به همین ترتیب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موظف بود یافته‌های آژانس ABACC را مدنظر قرار دهد. این ترتیبات باعث شد که موافقتنامه چهارجانبه از سال ۱۹۹۴ عملیاتی شود. این دو کشور گام‌های بیشتری هم برداشتند و با تصویب پیمان تاتلولوکو در داخل کشورهای شان، نخستین منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای را در منطقه‌ای با تراکم جمعیت بسیار بالا در جهان ایجاد کردند. در گام‌های بعدی برزیل و آرژانتین، پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را پذیرفتند و به گروه تأمین‌کنندگان سوخت هسته‌ای پیوستند و از جمله نخستین کشورهایی بودند که پیمان جامع منع آزمایش هسته‌ای (CTBT) را امضا کردند. آژانس ABACC به عنوان تنها سازمان پادمانی دوملیتی در جهان که مسئولیت اجرای مجموعه کامل پادمان‌ها را دارد، این نهاد تاکنون بیش از ۳۵۰۰ بازرسی در هر دو کشور انجام داده‌است که ۳۵۰ بازرسی از این میان سرزده بوده‌است و بخش اعظم این بازرسی‌ها در همکاری مشترک با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام شده‌است. به صورت متوسط روزانه ۴ تا ۳ بازرس آژانس حسابرسی و کنترل عملیات بازرسی انجام می‌دهند. نهاد ABACC مستقل از هر دو دولت برزیل و آرژانتین است و هرچند ABACC و IAEA ارزیابی‌های خود را به‌صورت مستقل و جداگانه ارائه می‌دهند، بین این دو نهاد در مسائل پادمانی همکاری بسیار نزدیکی وجود دارد. به همین دلیل این فرصت ایجاد شده‌است که دو نهاد بایکدیگر توافقنامه‌های فرآیندی منعقد کنند تا اثرگذاری و بهره‌وری اعمال پادمان‌ها را بهبود دهند. برای مثال این دو نهاد در برخی حوزه‌ها از ابزارها و تجهیزات مشترک استفاده می‌کنند.

منبع: کارزار صلح، خلع سلاح و امنیت مشترک

نگاه  
هم‌میهن

# ایده‌های به قدمت مذاکرات

آی‌پیشنهاد تشکیل کنسرسیوم  
غنی‌سازی اورانیوم به عنوان  
راهکار حل اختلاف‌های هسته‌ای  
ایران و غرب کارساز است؟

عکس: سازمان انرژی اتمی



سازوکار مورد توافق برای چنین نظارتی شامل تاسیس یک نهاد جدید باشد یا بر مبنای سازوکارهای بین‌المللی موجود پیش برود. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی لغوشده‌ای که برای اندیشکده موقوفه کارنگی برای صلح بین‌الملل آماده کرده‌بود، پیشنهاد مشارکت آمریکا در توسعه برنامه هسته‌ای ایران را مطرح کرده‌بود. برخی از رسانه‌ها نیز به‌تازگی در مورد گفت‌وگوی ایران و آمریکا برای انعقاد یک قرارداد هسته‌ای مبنی بر ماده ۱۲۲ قانون انرژی اتمی آمریکا گزارش‌هایی منتشر کرده‌اند. آمریکا قبلاً چنین توافقی را با امارات متحده عربی البته با شرط مضاعف اجتناب از غنی‌سازی در خاک امارات، امضا کرده‌است و گزارش‌ها حاکی از این است که مذاکراتی با عربستان سعودی نیز برای امضای یک قرارداد مبتنی بر ماده ۱۲۲ در جریان است که احتمال دارد در سفر پیش روی دونالد ترامپ به عربستان سعودی، پیشرفت‌هایی در آن حاصل شود. برخی از ناظران این احتمال را مطرح کرده‌اند که ممکن است سرنوشت مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا با توافق آمریکا و عربستان سعودی به هم گره بخورد و نوعی مشارکت سه‌جانبه بین تهران، ریاض و واشنگتن شکل بگیرد.

## مشارکت خارجی در تاسیسات ایرانی

دولت‌های غربی ادعا می‌کنند نگران هستند در صورت ایجاد تاسیسات غنی‌سازی حتی تحت مدیریت یا مالکیت خارجی در خاک ایران، ایران هر زمان که خواست این

این نخستین بار نیست که ایده تشکیل نهاد مشترک برای مدیریت تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم ایران مطرح می‌شود. این ایده از نخستین روزهای مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ بارها به شکل‌های مختلف مطرح شده‌است. نقطه تقابل میان طرف‌های مذاکره همواره یک موضوع بوده‌است: محل قرار گرفتن تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم. این اختلاف ناشی از دو دیدگاه متفاوت به پرونده هسته‌ای ایران است. تهران معتقد است که هیچ ممنوعیتی در چارچوب پیمان‌های بین‌المللی از جمله پیمان عدم اشاعه برای در اختیار داشتن برنامه غنی‌سازی بومی وجود ندارد و ایده ایجاد نهاد بین‌المللی در خاک ایران تنها با هدف برداشتن گام‌های اعتمادساز مطرح می‌شود تا طرف غربی از طریق مشارکت در فرآیند مدیریت و عملیات غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران، از صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران اطمینان پیدا کند. در طرف غربی اینگونه برآورد می‌شود که ایران نیازی به در اختیار داشتن برنامه غنی‌سازی اورانیوم در خاک خود ندارد و تشکیل کنسرسیوم به معنای گامی اعتمادساز است که ایران با مشارکت در فرآیند مدیریت تاسیسات غنی‌سازی در خارج از خاک خود به شکل تضمین‌شده سوخت هسته‌ای مورد نیاز خود را دریافت کند.

این اختلاف نظر باعث شده‌است که ایده تشکیل کنسرسیوم هرگز به عنوان راهکار مورد پذیرش دو طرف عملی نشود. تحلیل‌گران آمریکا از تمایل دونالد ترامپ و دولتش نسبت به مشارکت کارشناسان و بازرسان آمریکایی در بازرسی و نظارت بر تاسیسات هسته‌ای ایران سخن می‌گویند، مشخص نیست

این نخستین بار نیست  
که ایده تشکیل نهاد  
مشترک برای مدیریت  
تاسیسات غنی‌سازی  
اورانیوم ایران مطرح  
می‌شود. این ایده  
از نخستین روزهای  
مذاکرات هسته‌ای  
ایران و ۵+۱ بارها به  
شکل‌های مختلف  
مطرح شده‌است.  
نقطه تقابل میان  
طرف‌های مذاکره  
همواره یک موضوع  
بوده‌است: محل قرار  
گرفتن تاسیسات  
غنی‌سازی اورانیوم

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی



همزمان با مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در خصوص برنامه هسته‌ای، بار دیگر ایده تشکیل کنسرسیوم تولید سوخت هسته‌ای برای افزایش نظارت‌ها بر برنامه غنی‌سازی اورانیوم در ایران احیا شده‌است. روزنامه نیویورک تایمز، همزمان با دور نخست گفت‌وگوهای سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با استیو بیتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاورمیانه در گزارشی مدعی شد که در این مذاکرات «احتمال تشکیل یک نهاد چندجانبه برای مدیریت تاسیسات هسته‌ای ایران» از سوی ایران پیشنهاد شده‌است. نیویورک تایمز به نقل از یک منبع آگاه ایرانی بدون ذکر نام مدعی شده‌است که «معلوم نیست که قرار است آمریکا یا یک کشور ثالث، ترجیحاً یکی از همسایگان عرب ایران در خلیج فارس، در این نهاد مشارکت داشته باشند». حسین موسویان، مذاکره‌کننده پیشین هسته‌ای ایران یک روز پیش از برگزاری دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا در مسقط نوشت: «راه‌حل همان چیزی است که من سال‌ها مکرر در نوشته‌ها و مصاحبه‌ها و سمینارهای بین‌المللی پیشنهاد کرده‌ام: «تشکیل کنسرسیوم مشترک هسته‌ای کشورهای حاشیه خلیج فارس.»

نگاه  
تحلیلی

مارک فیتزپاتریک دیپلمات بازنشسته آمریکایی در گفت‌وگو با هم‌میهن:

## ایده کنسرسیوم سوخت هسته‌ای ایران عملی نیست

استراتژیک (IISS) مطالعه می‌کنید:

در پی برگزاری دور نخست مذاکرات ایران و آمریکا، این شایعه مطرح شد تا یک کنسرسیوم بین‌المللی برای مدیریت برنامه غنی‌سازی ایران تشکیل شود. فکر می‌کنید چنین ایده‌ای تا چه اندازه جدی و عملی باشد؟

ایده تشکیل یک کنسرسیوم بین‌المللی برای مدیریت غنی‌سازی اورانیوم، ایده جدیدی نیست. من شخصاً به یاد دارم که ۱۵ سال پیش در مجمعی در این خصوص گفت‌وگو کردم. ایده اصلی این است که چنین نهادی با خرید سهام از سوی تمام طرف‌های خارجی که از محصولات سوخت غنی‌شده استفاده می‌کنند تقویت شود و پرسنل خارجی در محل به عنوان پنجره‌ای به برنامه غنی‌سازی ایران عمل کنند و در صورتی که چنین برنامه‌ای در مسیر تبدیل شدن به برنامه تسلیحاتی قرار گرفت، اطلاع پیدا کنند. در واقع چنین نوعی از کنسرسیوم بین‌المللی نوعی «نظارت جمعی» است. با این حال، این ایده از همان زمان که مطرح شد، نتوانست حمایت زیادی جلب

کند، چراکه در صورت وقوع هر بحرانی یا اگر حکومت ایران تصمیم به ساخت سلاح هسته‌ای بگیرد، می‌تواند پرسنل خارجی را اخراج کند و تجهیزات و تاسیسات کنسرسیوم بین‌المللی را مصادره کند. علاوه بر اینها تاسیس چنین کنسرسیومی نیازمند وجود اعتماد دوجانبه بسیار بیشتری است که اکنون وجود ندارد.

در میان شایعات مطرح شده، این ایده مطرح شده‌است که یک کشور خاورمیانه‌ای به صورت مشترک با ایران، برنامه غنی‌سازی ایران را مدیریت کند. این گمانه‌زنی در بین برخی کارشناسان تقویت شده‌است که کشور مد نظر ممکن است عربستان سعودی باشد که خودش خواستار داشتن برنامه بومی غنی‌سازی اورانیوم است. فکر می‌کنید چنین ایده‌ای مفید و کارآمد باشد؟

ایده شراکت ایران و عربستان سعودی هم یک شکل تغییر یافته از همان کنسرسیوم بین‌المللی است که ایران و آمریکا در آن عضو باشند. این موضوع هم در گذشته مورد بحث قرار گرفته و نخستین بار نیست که مطرح می‌شود. اینکه ایران و عربستان سعودی در یک دوره آشفتگی و عادی‌سازی روابط به سر می‌برند یک نکته مثبت است، اما مشخص نیست که این دوره تا چه اندازه دوام می‌آورد. برنامه غنی‌سازی اورانیوم دوجانبه نیازمند روابط حسنه‌ای است که برای دهه‌ها پایدار باقی بماند.

یک مسئله دیگر هم وجود دارد، آیا اساساً عربستان سعودی تمایل